

شیعیان جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان در بخش شرقی مأوراء قفقاز واقع شده و در شمال و شمال شرق به داغستان روسیه، از شمال غرب به گرجستان، در مغرب به ارمنستان و ترکیه، از مشرق به دریای خزر و در سمت جنوب با ایران هم مرز است. این کشور که تا قراردادهای گلستان و ترکمنچای بخشی از خاک ایران بود، زان پس به تصرف روسیه تزاری درآمد. در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی دولت شوروی، استقلال یافت و جمهوری آذربایجان نامیده شد. جمعیت این کشور در سال ۲۰۰۰ میلادی ۷۷۴۸۱۶۰ نفر و سال ۲۰۰۵ ۸۴۱۱۰۰ نفر بوده است. آذری‌ها در این جمهوری اکثریت را دارند؛ گرچه اقوام دیگری هم در آن زندگی می‌کنند.

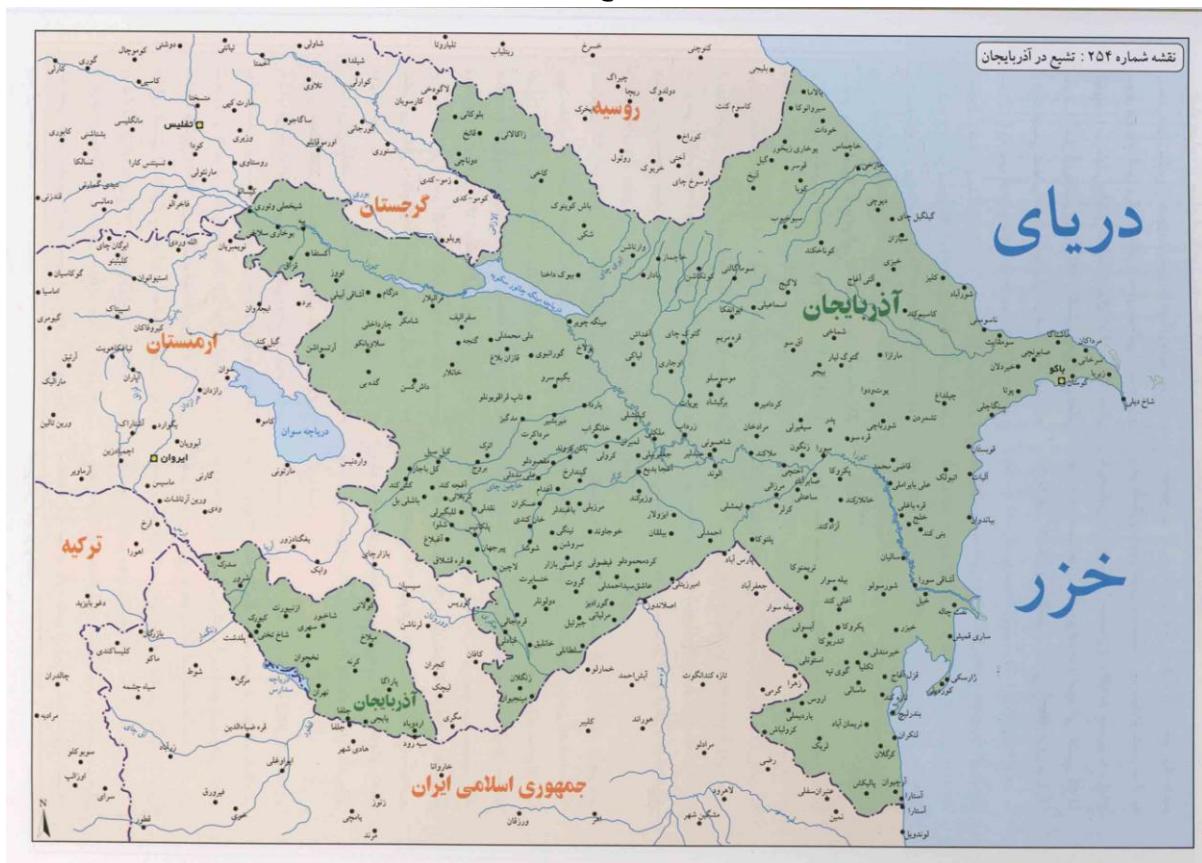
۹۶ درصد جمعیت جمهوری آذربایجان مسلمانند و از این میان ۷۰ تا ۷۵ درصد شیعه مذهب هستند به همین دلیل دومین کشور شیعه به شمار می‌آید. آمار دیگری حکایت از آن دارد که جمهوری آذربایجان ۹۷٪ مسلمان دارد. ۸۳٪ شیعه، ۱۴٪ سنی و ۳٪ غیر مسلمان اند. همه شیعیان جمهوری آذربایجان دوازده امامی هستند؛ چنان‌که اهل سنت نیز اغلب حنفی و البته اندکی حنبلی در آن زندگی می‌کنند.

تشیع در آذربایجان ریشه‌های کهنی دارد. شاید قدیمی ترین شیعه‌ای که از این ناحیه می‌شناسیم قاسم بن العلاء است که روایات زیادی از اهل بیت در مصادر شیعه دارد. منابع او را به صراحة اهل آذربایجان دانسته و وکیل ناحیه مقدسه برشمرده اند. پس از آن در سطح سیاسی، نخستین برگ تشیع نفوذ آل مسافر (سلاطین) است که اسماعیلی مذهب بودند و از پیش از سال ۳۰۴ تا حوالی ۴۸۳ در دو شاخه آذربایجان و دیلم حکومت کردند (سلسله‌های اسلامی جدید: ۲۹۲). سکه‌هایی که نام چند تن از امامان (علیه السلام) روی آن‌ها حک شده از ایشان باقی مانده است.

تشیع امامی در آذربایجان مربوط به تلاش ترکمانان و اساساً روزگار صفوی است. ما شرحی از تحولات قفقاز در دوره صفویان را در جای دیگری آورده ایم. شیروانی که در عصر قاجاری در این مناطق رفت و آمد داشته است در بستان السیاحه، شهرهای گنجه، قبله، ایروان، شماخی، شکی، شاپران، سالیان، بادکوبه و مغان را شیعه نشین ذکر کرده است.

این مطالب را در مدخل‌های مختلف کتاب یاد شده می‌توان مشاهده کرد. وی در باره شروان نیز نوشت که شیعه امامی در آنجا فراوانند.

نقشه شماره ۲۵۴: تشيخ در آذربایجان



جدول شماره ۵: مشخصات اصلی اقوام در جمهوری آذربایجان (براساس برآورد سال ۲۰۰۷)

ردیف	نام قوم	تعداد	خانواده قومی جمعیت	گروه قوم	دین	مذهب	زبان
۱	آذری (قفقاز)	۷/۳۹۰/۰۰۰	ترکی	آذری	اسلام	شیعه و سنی (اکثریت شیعه)	ترکی آذری
۲	آذری (ایرانی الاصل)	۲۵۰/۰۰۰	ترکی	آذری	اسلام	شیعه و سنی (اکثریت شیعه)	ترکی آذری
۳	آسوري	۱/۳۰۰	جهان عربی	آسوری/آرامی	مسیحی	ارتودوکس	آسوري/آرامي جدید
۴	آلماني	۸۰۰	اوراسیایي	آلماني	مسیحی		آلماني
۵	آوار	۵۳/۰۰۰	اوراسیایي	فقفاز	اسلام	سنی و شیعه (اکثریت سنی)	آوار
۶	ارمني	۱۵۳/۰۰۰	اوراسیایي	ارمنی	مسیحی	ارتودوکس شرقی (کلیساي ابوضليک)	ارمني
۷	ازبك	۱/۷۰۰	ترکي	ازبکي	اسلام	سنی	ازبکي جنوبی
۸	انگلستانی	۲/۴۰۰	اوراسیایي	آنگلوسلت	مسیحی	-	انگلستانی
۹	اوستی	۹۰۰	ایرانی - مادی	فارسي	اسلام	سنی	اوستی
۱۰	اوکراینی	۳۳/۰۰۰	اوراسیایي	اسلاو شرق	مسیحی	ارتودوکس	اوکراینی
۱۱	بلاروس	۴/۹۰۰	اوراسیایي	اسلاو شرقی	مسیحی	ارتودوکس شرقی	بلاروسی
۱۲	بودوق	۵/۵۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلام	سنی	بودوخ
۱۳	تاباساری	۳۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلام	سنی	تاباساري
۱۴	تاتار	۳۰/۰۰۰	ترکي	اورال سیبریایي	اسلام	سنی و شیعه (اکثریت سنی)	تاتاري
۱۵	تات مسلمان	۱/۲۰۰	ایرانی - مادی	فارسي	اسلام	شیعه	تاني
۱۶	تاجیک	۷۰۰	ایرانی - مادی	تاجیکي	اسلام	سنی	تاجیکي
۱۷	تالش	۸۵/۰۰۰	ایرانی - مادی	تالش	اسلام	شیعه و سنی (اکثریت شیعه)	تالشي
۱۸	نساخور(چاخور)	۱۶/۰۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلام	سنی	ترکي تساخوری
۱۹	ترک (عنمانی)	۲۱/۰۰۰	ترکي	ترکي	اسلام	سنی	ترکي
۲۰	چچن	۱۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلام	سنی	چچنی
۲۱	خینالق	۲/۱۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلام	سنی	خیناليق
۲۲	دارگینی	۱/۰۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلام	سنی	دارگوابی
۲۳	روتونل	۱۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلامی	سنی	روتونل
۲۴	روس	۱۶۵/۰۰۰	اوراسیایي	اسلاو شرقی	مسیحی	ارتودوکس شرقی	rossi
۲۵	رومانيابي	۱/۴۰۰	اوراسیایي	رومانيابي	مسیحی	ارتودوکس	رومانيابي
۲۶	فارس	۱/۲۰۰	ایرانی - مادی	فارسي	اسلام	شیعه	فارسي
۲۷	قراق	۲/۰۰۰	ترکي	قراق	اسلام	سنی	قراق
۲۸	کرد	۲۴/۰۰۰	ایرانی - مادی	کردي	اسلام	سنی و شیعه (اکثریت سنی)	کردي کرمانجي
۲۹	کریز	۸۵۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلام	سنی	کریز
۳۰	گرجي	۱۷/۰۰۰	اوراسیایي	فقفازی	مسیحی	ارتودوکس	گرجي
۳۱	لزگي	۲۰۰/۰۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلام	سنی و شیعه (اکثریت سنی)	لزگي
۳۲	لک	۱/۲۰۰	اوراسیایي	فقفازی	اسلام	سنی	لکي
۳۳	لهستانی	۹/۰۰	اوراسیایي	اسلاو شرقی	مسیحی	کاتولیك رومی	لهستانی
۳۴	موردرین	۹۰۰	اوراسیایي	فنلاندی - اوگریک	مسیحی	ارتودوکس	ارزيا
۳۵	مولداویابي	۲/۱۰۰	اوراسیایي	رومانيابي	مسیحی	ارتودوکس	رومانيابي
۳۶	بودین	۷/۳۰۰	اوراسیایي	فقفازی	مسیحی	ارتودوکس	بودي
۳۷	يهودي - تات	۱۷/۰۰۰	يهودي	يهودي	يهودي	-	يهودي - تاتي ويهودي - فارسي
۳۸	يهودي شرقی (اشکنازی)	۱۴/۰۰۰	يهودي	يهودي	يهودي	-	يهودي شرقی

نفر ۸,۵۲۸,۹۰۰

جمع

بدین ترتیب در تمام دوران پس از صفوی و تا پیش از جدا شدن منطقه آران از ایران و حتی پس از آن تا انقلاب اکتبر (۱۹۱۷ م) که کمونیست‌ها تسلط یافتند، فرهنگ تشیع در سراسر این منطقه حاکم بود. پیش از دوره کمونیست‌ها و در دوران تزارها، روحانیون تبریزی مرتب به مناطق مختلف آران و آنچه که بعدها در دوران تسلط شوروی جمهوری آذربایجان نامیده شد رفت و آمد داشتند و مردم را به لحاظ مذهبی تغذیه فکری می‌کردند.

آگاهیم که تا پیش از انقلاب اکتبر شمار زیادی ایرانی در مناطق مختلف باکو و شهرهای دیگر به کارگری در صنایع نفت و جز آن مشغول بودند. اینان حلقه وصل مهمی میان آذری‌های دو طرف به شمار می‌رفتند. از سوی دیگر، آذری‌های شیعه به نواحی مختلف روسیه رفتند و هر کجا توانستند جمعیتی را ایجاد کرده مسجد یا حسینیه‌ای سرپا کردند. در دوره حکومت کمونیست‌ها، نقل و انتقال‌های اختیاری و اجباری، آذری‌ها را به بسیاری از نقاط در جمهوری‌های شوروی کوچ داد. بسیاری از شیعیانی که امروزه در جمهوری‌های مستقل شوروی سابق زندگی می‌کنند در اصل آذری زبان هستند.

از آن دوران مساجد و اماکن زیارتگاهی زیادی در باکو - که سابقًا بادکوبه نامیده می‌شد - و شهرهای مختلف جمهوری آذربایجان وجود داشت. برخی از کهن ترین مساجد باکو عبارتند از: مسجد امام حسین علیه السلام، مسجد تازه پیر، مسجد حاج سلطان علی، مسجد مشهدی داداش، مسجد حاج جواد، مسجد جمعه و... این مساجد غالباً در مرکز و بخش قدیمی شهر قرار دارند. مسجد تازه پیر مسجد جمعه شیعیان است که در محله ایچی شهر قرار دارد. همچنین ایرانی‌های مقیم باکو حسینیه بزرگی به نام حسینیه اهل بیت علیهم السلام دارند که در خیابان کاظم زاده باکو قرار دارد و هر سال در ایام محرم محل اجتماع شیعیان است. آرامگاه بی بی هیبت یا حکیمه خانم در مدخل ورودی باکو در مسیر آستارا به باکو قرار دارد. در قریه نارداران (ناردادان) امامزاده رحیمه خانم قرار دارد. در هر دو مکان گنبد و بارگاهی ساخته شده و زیارتگاه عمومی مردم است. در محلی به نام بلگه، امامزاده ای به نام لیلا خانم هست. بنای این مکان نیز جدید می‌باشد.

شهر قبا یا قوبا نیز از شهرهایی است که تعدادی مسجد دارد. از جمله چهار مسجد مهم آن یکی به نام خانم بی بی سکینه، حاج جعفری، اردبیل مسجدی (در محله ای که سابقًا تعدادی

اردبیلی ساکن بودند) و مسجد جامع که در قرن نوزدهم میلادی بنا شده وجود دارد. مسجد اخیر در اختیار اهل سنت است.

شهر برده از دیگر شهرهای مهم است که آثار مهمی از دوران صفوی در آن وجود دارد. همچنین شهر لنکران که مرکزیت تالش نشین در آذربایجان است، مساجد متعددی از جمله مسجد بزرگ بازار، مسجد بازار کوچک، مسجد قاراچی لار وجود دارد که به لحاظ معماری شبیه مساجدی است که در آستارا وجود دارد.

لنکران از جمله شهرهایی است که شمار فراوانی عالم شیعی به دنیای تشیع تقدیم کرده و هنوز نیز لقب لنکرانی پسوند نام تعدادی از خاندان‌های بزرگ شیعی مقیم ایران و عتبات است.

طوابیف شیعه غیر آذری در قفقاز

به جز آذری‌ها که اکثریت ساکنان آذربایجان را تشکیل داده و اکثریت آنان شیعه هستند، طوابیف دیگر شیعه نیز در این منطقه حضور دارند که به شرح زیر هستند:

۱- تاتها که در قفقاز شمالی، آذربایجان، داغستان و بعضی نواحی دیگر پراکنده‌اند. گروهی از آنان سنّی و گروهی دیگر شیعه هستند.

۲- اینقیلوی: اینان گرجی هستند و در دوران شاه عباس به اسلام و تشیع مشرف شدند. در جریان اتحاد گرجستان شمالی با روسیه در سال ۱۸۰۱ شماری از این طایفه مسیحی شدند، اما غالباً مسلمان و شیعه باقی ماندند. در سال ۱۸۷۱ شمار ایشان به ۱۰ هزار نفر می‌رسیده که ۷۱۲۶ نفر شیعه و بقیه مسیحی ارتدوکس بوده‌اند. در سال ۱۹۲۶ اندکی بیش از ۵ هزار نفر از اینان باقی مانده بودند که تماماً شیعه بودند.

۳- ایرانی‌ها: مهاجرینی ایرانی هستند که برای کار و تجارت به آن نواحی رفتند و چون شیعه بودند در نواحی سنی نشین با آنان در نیامیختند. در سال ۱۳۰۵ ش شمار اینان بیش از ۲۰ هزار نفر بوده است.

۴- شاهسون‌ها که از قبایل ترک ماوراء قفقاز بوده‌اند. این گروه به طور معمول در دیگر طوابیف هضم شده‌اند. با این حال تخمین چنین است که بیش از ۵ هزار نفر آنان در جنوب جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند.

۵- طالش ها: اینان در جنوب شرقی جمهوری آذربایجان زندگی کرده و پس از قرار دادهای گلستان و ترکمانچای تحت سلطه روسیه در آمدند. در سال ۱۹۲۶ شمار آنان نزدیک هشتاد هزار نفر بوده است.

۶- گروهی از کردهای علی‌اللهی سابق به صورت پراکنده در منطقه آذربایجان و گرجستان بوده اند، اما اکنون در ظاهر از میان رفته اند.

۷- لزگی ها نیز گروهی شیعه مذهب اما غیر امامی هستند و بیشتر مشی صوفیانه دارند. (دایره المعارف تشیع: مدخل آذربایجان)

علمای شیعه از منطقه قفقاز

در طول سال های پس از عصر صفوی، قفقاز از مناطقی بود که شیعیان فراوانی داشت و برای تقویت بنیه مذهبی و علمی خود طلابی را به نجف یا ایران می فرستاد. در دوره صفوی عنایت خاصی به آن منطقه بود و برخی مراکز علمی در آن مناطق تأسیس شد. برای مثال از طرف شاه سلیمان صفوی، مدرّسی به شهر شماخی فرستاده شد (آینه میراث ش ۳۷-۳۶ (۱۳۸۶): ۱۶۲-۱۷۰). روشن است که برای شهرهای دیگر نیز مدرس فرستاده می شده است. اما بعدها زمانی که به تدریج آن منطقه گرفتار جنگ شد و به خصوص زمانی که با پیوستن آن به روسیه از دارالاسلام جدا شد، طلاب برای تحصیل به عتبات می رفتند.

از میان این طلاب شمار زیادی عالم برجسته و خاندان های ممتاز برخاست.

نام تعدادی از این افراد را با لقب های شهری منسوب به شهرهای مختلف آن نواحی در میان علمای شیعه در قرن سیزدهم و چهاردهم هجری مشاهده می کنیم که برخی در ایران یا عتبات و برخی هم در مناطق خودشان فعال بودند: برخی از آن ها عبارتند از:

ملا اسماعیل قره باگی نجفی (م ۱۲۲۳ ق)،

نجف علی بن فضل علی قره باگی (م بعد از ۱۲۶۳ ق).

شیخ عباس بن مسلم ایروانی معروف به میرزا آقسی که به وزارت محمد شاه قاجار هم رسید و به سال ۱۲۶۵ ق درگذشت.

شیخ عبدالحسین ایروانی (م ۱۳۱۴ ق).

شیخ ملاحسن ایروانی (م بعد از ۱۲۸۰ ق)

علی بن جهانگیر ایروانی (از شاگردان شیخ انصاری)

علی بن حاج قربان ایروانی (م بعد از ۱۲۷۹ ق)

ملالعی اصغرین ملامحمد باقر ایروانی (م ۱۳۰۰ ق)

شیخ محمد ایروانی (م ۱۳۰۶ ق) از مراجع نجف بعد از سیدحسین کوهکمره ای.

میرزا محمد بن سید رضا موسوی ایروانی (شاگرد صاحب جواهر).

سید حسین بادکوبی (تولد در قریه خود دلان در سال ۱۲۹۳ و متوفای ۱۳۵۸ ق در نجف).

شیخ عبدالنبوی بادکوبی از علمای برجهسته که در سال ۱۳۵۰ ق به دست روس ها به شهادت رسید و علامه امینی شرح حال او را در شهداء الفضیله: ۳۷۷ آوردہ است.

شیخ حنیفه بادکوبه ای که او نیز هم بند شیخ عبدالنبوی بادکوبی بود و گویا همان سال به شهادت رسید.

شیخ عبدالعظیم بادکوبی (م ۱۳۱۹).

روح الله آخوند حاج محمد (در سال ۱۳۳۰ ق در باکو کشته شد).

بیان بن حمران تفلیسی (از اصحاب امام صادق علیه السلام).

عبدالسلام تفلیسی (م بعد از ۱۳۲۰ ق).

شیخ عبدالغفار اردو بادی که او هم در نبرد با روس ها در سال ۱۳۵۰ به شهادت رسید.

لامحمد هاشم اردو بادی (م بعد از ۱۲۰۸ ق)

میرزا میرزا هادی بن میراز احمد نخجوانی (م بعد از ۱۲۸۰ ق) آخوند ملا محمد علی نخجوانی (۱۲۶۸-۱۳۳۴ ق)

شیخ عبدالغفار لنکرانی (م ۱۳۷۶ ق)

شیخ حسن لنکرانی (م ۱۳۶۱ ق)

سیدرضا بن سیدمحمد موسوی لنکرانی (۱۲۵۰-۱۲۲۲ ق)

شیخ حسین قلی داغستانی (م ۱۳۲۳ ق)

علی اکبر داغستانی مقیم مشهد (م قرن ۱۳)

ادبیات فارسی - شیعی در قفقاز

یکی از آثار حضور صفویان در قفقاز حمایت از زبان فارسی بود که در این دوره در سراسر ایران، شبهه قاره و بخش های وسیعی از عثمانی مورد استفاده بود. پیش از صفویان نیز برای قرن ها زبان فارسی زبان اوّل آن دیار محسوب شده و براساس تحقیقات اخیر اصولاً زبان

آذری شعبه‌ای از زبان فارسی است که سخت در آمیخته با ترکی شده است. در قفقاز، این زبان، ابزار بیان عقاید و افکار و اندیشه‌های ادبی و مذهبی بود. خاقانی شروانی در قرن ششم نشانه‌ای از این وضعیت است. در دوره صفوی، تشیع از همین زاویه و با استفاده از زبان فارسی میان مردم این سامان انتشار یافت. بسیاری از آثار مذهبی به زبان فارسی در تفلیس و برخی از شهرهای دیگر، در دوره قاجار، به چاپ می‌رسید. این حرکت مورد حمایت عباس میرزا نایب السلطنه بود که خود مردمی اهل فرهنگ و ادب بود. انتشار آثار فارسی در قفقاز تا حوالی انقلاب مشروطه ادامه داشت.

نگاهی به تذکره‌ها نشان می‌دهد که شاعران پارسی گوی فراوانی در آن نواحی زندگی می‌کردند که دیوان یا بخشی از اشعار آنان بر جای مانده است. افزون بر بزرگانی مانند نظامی گنجوی یا خاقانی شروانی که زبان شعرشان نشانگر حضور زبان فارسی به عنوان زبان فرهیختگی و ادبی در آن دیار است، از دوره صفوی به این سوی شاعران پارسی گوی شیعه فراوانی در آن خطه می‌زیستند. (فهرستی از آنان را بنگرید در مقاله: پارسی سرایان خطه قفقاز از مهدی درخشان در مجله آران، شماره دوم، خرداد ۱۳۸۳). برای شناخت ادب پارسی در پهنه بزرگ و مهم آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و جمهوری خودمختار داغستان می‌توان به دانشنامه ادب فارسی مجلد پنجم و کتاب سرایندگان شعر پارسی مراجعه کرد. شعر ترکی شیعی نیز در این دوره در آذربایجان بسیار نیرومند است. یکی از برترین شاعران این عرصه در قرن دهم محمدبن سلیمان سلیمان متخلص به فضولی (۹۶۳ - ۸۸۸) است که اشعار فراوانی در منقبت امامان (ع) دارد.

آذری‌های شیعه در گذشته و حال

دولت تزار در دهه‌های پایانی عمر خویش بیشتر از روی مصلحت اندیشی با مسلمانان رفتار کرده و با آنان که اکنون در بسیاری از ولایات او اکثریت داشتند، برخورد آرام تری داشت. پس از آن که بخش‌های زیادی از مناطق مسلمان نشین از ایران و عثمانی جدا شده و ضمیمه روسیه شد، دولت تزار منصبی به عنوان شیخ‌الاسلامی ایجاد کرد که کارهای مذهبی را بر اساس تمایل حکومت به انجام می‌رساند. یک مسافر ایرانی که در اواخر دوره تزار به تفلیس سفر کرده است می‌نویسد: در تفلیس قریب بیست مسجد بزرگ و کوچک هست که یک مسجد بزرگ آن متعلق به اهل تسنن و یک مسجد بزرگ متعلق به اهل تشیع است. گویند این مسجد بزرگ شیعه را شاه عباس اول ساخته و املاک موقوفه قرار داده، که منافع آن موقوفات در سال قریب ده هزار منات

است، و از جانب دولت روس برای هر یک از شیعه و سنه به تصدیق عقلای آن طایفه، شیخ‌الاسلام معین کرده و می‌کنند و اختیار محاکمات هر یک از این دو طریقه با شیخ‌الاسلام خودشان است، و شیخ‌الاسلام هم از جانب خود به جمیع شهرهای قفقازیه ملاهای امین می‌فرستد که محاکمات هر شهری با آن ملای فرستاده شیخ‌الاسلام است، و شیخ‌الاسلام اجزاء و اتباع بسیار دارد از قبیل فراش و فراش باشی و عمال و ضابط و غیره و وقفیات هر طبقه هم در دست شیخ‌الاسلام است و او باید منافع آنان را به مصارف معینه و ارباب استحقاق برساند.

و شرط است که این شیخ‌الاسلام باید رعیت روس و از اهل قفقاز باشد (سفرنامه فراهانی: ۷۹) دولت تزار آگاه بود که شیعیان منطقه قفقاز با مراجع نجف و ایران ارتباط دارند. سنیان این ناحیه نیز کمایش با مراکز دیگری در ارتباط هستند. برای این که بتواند مسلمانان این ناحیه اعم از شیعه و سنه را از مراکز بیرون از روسیه جدا کند، اقدام به تشکیل اداره روحانیون در قفقاز کرد. در واقع ایجاد اداره روحانیون به سال‌ها قبل از حکومت کمونیست‌ها بر می‌گردد و این سیاست ابتدا در تاتارستان و آسیای مرکزی و سپس در قفقاز به اجرا در آمده بود. این حرکت برای قطع ارتباط مسلمانان شیعه این ناحیه با مرجعیت شیعه در نجف بود که احتمال می‌دادند این امر، پیامدهای مالی و سیاسی داشته باشد.

اداره روحانیون در دوره نخست کمونیستی تعطیل شد، اما بار دیگر پس از سال ۱۹۶۰ به آرامی ایجاد گردید. در تشکیلات جدید آنان می‌توانستند با تربیت روحانیونی که خود می‌خواستند هم اجازه فعالیت مختصر دینی داده باشند و هم حرکت دینی را تحت نظارت خود درآورند. این در حالی بود که در دوران کمونیستی تعداد زیادی از مساجد بلکه بیش از هشتاد درصد آن‌ها ویران شده و معدودی مسجد باقی مانده بود. به علاوه شمار زیادی از متدینین از بین رفتند و با عوض شدن دو نسل با تربیت کمونیستی، زمینه تدین به مقدار زیادی از میان رفت. همچنین در سه دهه نخست حکومت کمونیستی تعداد زیادی از علمای دینی قتل عام شدند. تصور دولت استالینی آن بود که با حذف فیزیکی این گروه می‌تواند ریشه اسلام را در منطقه قفقاز و نقاط دیگر بخشکاند.

تشکیلات اداره روحانیون در قفقاز تا آخرین سال‌های حیات دولت شوروی وجود داشت و در دوران استقلال جمهوری آذربایجان نیز همان تشکیلات ساماندهی شده باقی ماند. ریاست این اداره که به اختصار QMR نامیده می‌شد در سال ۱۹۷۸ با شیخ‌الاسلام علی آقا سلیمان اف بود که در ۹۳ سالگی درگذشت. جانشین او شیخ‌الاسلام میر غضنفر ابراهیم اف نیز با فاصله کمی

وفات کرد. دو سال این پست بدون رئیس ماند تا آن که در سال ۱۹۸۰ شیخ الاسلام کنوی حاجی الله شکور پاشازاده‌در ۳۱ سالگی به این سمت منصوب شد. او شیعه دوازده امامی و معاونش از اهل سنت است که به او مفتی می‌گویند. وی شخص محترمی است و نقش او در مسائل دینی و اجتماعی کشور بسیار اهمیت دارد. نظارت بر مساجد کشور و نیز تعیین روحانیون مساجد بر عهده این اداره است.

احیای هویت شیعی در آذربایجان

شیعیان جمهوری آذربایجان پس از محو سلطه شوروی سابق به تدریج به هویت گذشته خویش بازگشتند. طی هفتاد سال تسلط ماتریالیسم و کمونیسم و تلاش مستمر آن برای نابود کردن فرهنگ دینی و قومی، بسیاری از نشان‌های دین و مذهب از میان رفت. پس از استقلال مردم آذربایجان که پیوند دیرینه‌ای با ایران داشتند، برای احیای هویت مذهبی خود روی به ایران آورده و شماری از طلاب برای تحصیل عازم ایران شدند. طی این سال‌ها بسیاری از آثار اسلامی تأثیر شده در ایران به ترکی آذری ترجمه و در میان مردم آن سامان انتشار یافته است. همچنین و به مرور بسیاری از شعائر شیعه در آذربایجان احیا شده و به خصوص در مورد برگزاری مراسم عاشورا و نیز غدیر تلاش چشمگیری در جریان بوده و هست. دولت لائیک آذربایجان که تمایل به احیای گراییش به مذهب ندارد در این باره، نهایت سختگیری را داشته و در طول سال‌ها محدودیت‌های فراوانی ایجاد کرده است. یکی از بهانه‌های این دولت، تفسیر و تعبیر سیاسی از جریان‌های مذهبی و انتساب آن‌ها به کشورهای همسایه است. در این سال‌ها آزادی فراوانی به ترکیه داده شده است تا به تبلیغات مذهبی خود بپردازد و نوعی لائیسیسم مذهبی از نوع ترکیه را در جمهوری آذربایجان رواج دهد. در این سال‌ها نزاع میان ارمنستان و آذربایجان، به تسلط ارامنه بر منطقه قره باغ منجر شده و این منطقه مسلمان نشین را از سیطره آذربایجان خارج کرده است. منطقه قره باغیکی از مناطق شیعه نشین مهمی است که از دوران صفوی به این سوی در اختیار ایران بوده و علمای شیعه فراوانی از آنجا برخاسته‌اند. تا پیش از روی کارآمدن دولت شوروی، مردم این منطقه از وجود روحانیون تبریزی برای تبلیغات مذهبی در ایام رمضان و محرم و سایر مواقع استفاده می‌کردند.

یکی از مهم ترین تشکل‌های اسلامی که پس از استقلال پدید آمد، حزب اسلامی آذربایجان (اسلام پارتبیاسی) بود که به رسمیت شناخته شده و به ثبت هم رسیده بود. این حزب برای چهار

سالی که فعالیت می کرد، سهم زیادی در احیای هویت دینی در آذربایجان داشت. فعالیت های مطبوعاتی و انتشاراتی، برگزاری مراسم مختلف به مناسبت اعیاد و سوگواری ها، حضور در رسانه ها و بسیاری از کارهای دیگر در کارنامه این حزب وجود دارد. شرحی مفصل از این فعالیت ها در خاطرات حاج علی اکرام علی اف (ص ۱۴۲ به بعد) از بنیانگذاران این حزب و دبیر کل آن آمده است. حمایت از جبهه های جنگ علیه ارمنه نیز جزو برنامه های جاری این حزب بود. به تدریج دولت آذربایجان روی اعضای این حزب حساس شده و آنان را تحت مراقبت قرار داد. در نهایت حزب منحل شد و برخی به زندان افتادند. طبق معمول یکی از اتهامات رایج ارتباط با ایران بود. مرکز اصلی فعالیت این حزب شهر نارداران بود که مردمی انقلابی داشت و حتی در دوره کمونیستی در حد مقدور فعالیت های مذهبی آنان ادامه داشت.

انتساب برخی از جریان های مذهبی به ایران و متهم کردن ایران به دخالت در امور آذربایجان در طول سالها ادامه داشته است. این در حالی است که دخالت های ترکیه از هر جهت برای فعالیت های فرهنگی و در زمینه پان ترکسیم ادامه داشته و دارد. بدون تردید این نفوذ همراه با اصرار دولت برای تحقق لائیسم خطری جدی برای تشیع آذربایجان به حساب می آید. تلاش های وهابیان هم روی دیگر سکه است.

در سال ۲۰۰۷ دولت باکو به دستگیری اعضای گروهی به نام «مهدی صاحب الزمان» پرداخته و آنان را متهم به براندازی و ارتباط با ایران کرد. سال ها پیش از این نیز حزب اسلامی مورد حمله نیروهای دولتی قرار گرفت و اتهام آنان نیز همکاری با ایران بود. گفته شده است که جوانی به نام سعید داداش بیگی رهبری سازمان مهدی صاحب الزمان را بر عهده دارد. وی مدت ها بود که به کارهای فرهنگی و مذهبی به صورت علنی و آشکار مشغول بود. به جز دولت که به لائیسم می اندیشد، وهابی ها و نورسی ها که راه تغذیه آنان از طریق ترکیه است به شدت در این جمهوری فعالیت می کنند. دولت آذربایجان که مناسبات استراتژیک با ترکیه دارد راه را برای فعالیت های فرهنگی - مذهبی ترکیه بازگذاشته است.

برخی از شهرها و شهرک های شیعه

سه روستای: بوزونا، نارداران و مشدآقا

قریه بوزونا همچو ای باکو جایی است که قدمگاهی منتبه به حضرت علی (ع) در آن هست و هر روزه شماری زائر از مردم آذربایجان دارد.

دو روستای نارداران یا ناردان و مشد آقا از قدیم الایام محل تدریس و تحصیل طلاب علوم دینی بود. در جریان حرکت سختگیرانه دولت کمونیستی در سال ۱۹۳۷ آسیب زیادی به این دو منطقه وارد آمده، و شماری از نخبگان شیعه کشته شدند. سال یاد شده به عنوان بدترین و سخت ترین سال برای مؤمنان و متدینان آذربایجان شناخته می‌شود. در آن سال، مأموران نظام کمونیستی به آتش زدن قرآن‌ها و کتابهای دینی پرداخته و هر کسی را که مقاومت می‌کرد در چاه‌هایی به نام نارگین می‌انداختند و آنها را با دینامیت منفجر می‌کردند. آنان همچنین وزنه به پای روحانیون بسته آنان را در دریا می‌انداختند. تبعید علماء به سیبری نیز از دیگر اقدامات خشونت بار کمونیستها بر ضد متدینان بود.

در دولت کمونیستی مسجد محله نارداران تبدیل به موزه اسکلت‌های تاریخی و انبار تجهیزات کشاورزی شد. کتبه‌های موجود در مسجد از زمان شیخ بهایی و شاه عباس برجای مانده است که با الفبای عربی و فارسی نگاشته شده‌اند. از قدیم الایام، روستای نارداران در زمینه تربیت علمای دینی شهرت داشته است و همین خصوصیت سبب شده است تا قربانیان زیادی تقدیم حريم دیانت کند. اخبار حکایت از آن دارد که در سال ۱۹۳۷ پنج روحانی در این قصبه به شهادت رسیدند و عده زیادی تبعید شدند. آیت الله شیخ عبدالغنى بادکوبه ای را در نزدیک شهر باکو حبس و سپس کشتند. شیخ حسن رامانائی از دهکده بزونا در ساحل دریای خزر و در منطقه بادکوبه (باکو) و خطیب توانا شیخ کامیاب نیز از قربانیان این سال (۱۹۳۷ م) بودند و عده زیادی نیز به نقاط دیگری تبعید گردیدند. از اعدام شدگان دیگر، دانشمند مبارز میرزا عبدالغفار اردوبادی بوده است که بعد از دستگیری مرحوم عبدالغنى، او نیز که مردی فاضل، روحانی، مؤلف و عالم بزرگی بود، دستگیر و اعدام گردید. از این دست نمونه‌ها فراوان است. نارداران در دوره اخیر یکی از مراکز اصلی فعالیت حزب اسلامی بوده و در مبارزه برای حفظ و تقویت هویت دینی و مذهبی هزینه‌های زیادی داده است.

مسالی: یکی از مراکز مهم شیعه نشین و عالم پرور است. مردمان آن طالشی و وضعیت شهر به مقدار زیادی شبیه به آستانه است. در گذشته این شهر مجtedان فراوانی داشته است. هم اکنون زیارتگاه‌هایی برای برخی از علمای این دیار در آن وجود دارد.

سالیان: شهر سالیان از روزگار قدیم به دار المؤمنین شهرت داشته و عالمان دینی زیادی تقدیم جامعه تشیع و آذربایجان نموده است. برخی از عالمان این دیار در جریان فشارهای سال

۱۹۳۷ به شهادت رسیدند. میرباقر آقا از علمای این شهر بین سالهای ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۱ در زندان بود.

لنگران، شیروان: شهر لنگران از آبادترین مناطق آذربایجان در گذشته بوده و عالمان بسیار زیادی ملقب به لنگرانی در عتبات و ایران زندگی می کردند. شهر شیروان (شرون) نیز چنین است و عالمان منتب به آن در عتبات متعدد بوده اند. مساجد زیادی در این دو شهر بود که در دوران کمونیستی همه تعطیل گردید.

شماخی: شماخی از شهرهای معروف و شاعر پرور و خوش آب و هوا است. در روزگار صفوی حوزه علمیه داشته و مساجدی هم در این شهر بوده است. یکی از مراکز اصلی زبان فارسی در آن نواحی همین شهر شماخی است.

زاكاتالا: این منطقه در شمال جمهوری آذربایجان قرار داشته و محل قیام شیخ شامل است. مساجد شمال با کتیبه های چسبیده به دیوارها و سقف مزین شده است. مساجد این دیار در دوران حکومت کمونیست ها تبدیل به خرابه ها و انبار کالا گردیده بود.

گنجه: گنجه از شهرت تاریخی بسیاری برخوردار بوده و در شمار شهرهای مذهبی و متدين به شمار می رود. در دوران کمونیست ها نامش را کیروف آباد گذاشتند که دوباره پس از استقلال به همان نام گنجه نامیده شد. این شهر از محلات مختلفی سامان یافته است که در هر محله طوایف و به اصطلاح قومیت های گوناگون زندگی می کنند. محلات تات قشلاق، زرابی، چای قیراغی، تات لار و... از آن جمله هستند. نظامی گنجوی شاعر پارسی گوی از این شهر است.

مسجد شاه عباس از مهم ترین و زیباترین مساجد گنجه است که با کتیبه های فارسی - عربی زیبا منقش بر دیوارها، سقف و گنبد مسجد آراسته شده است. این مسجد اخیراً بدست ایرانیان تعمیر شده است. آثار تاریخی و دینی این شهر زیارتگاه شاهزاده ابراهیم پسر امام محمد باقر (ع) است که کتیبه های گوناگون به زبان فارسی - عربی بر دیوارها و کل مسجد نقش بسته است. بنای این مرقد مربوط به قرن پانزدهم میلادی / نهم هجری است.

قوسار: ساکنان این شهر هم طالشی هستند. مقبره شیخ جنید جد شاه اسماعیل در این شهر است و کتیبه های فارسی - عربی روی مقبره او وجود دارد.

قبا: قبا شهری مذهبی است که شیعیان و سینیان و یهودیان در آن ساکن هستند. در این شهر به عزادرای امام حسین(ع) اهمیت زیادی داده می شود. در این شهر مقبره عالمی با نام میرفتحعلی وجود دارد که کتیبه های فارسی و عربی با گچ کاری روی آن دیده می شود.

خاکماز: مزار ۶۶ مؤمن یا ۶۶ اولیاء در این شهر است. گفته می شود اینان کسانی هستند که در جنگ شیخ حیدر با شروانشاه کشته شدند. کتیبه هایی روی مرقد آنان دیده می شود.

شوشا: شوشا یا شوشه از جمله شهرهای اشغال شده در جنگ قره باغ است که طی آن مساجد ویران و اشیاء آن ها غارت شد. کتیبه های فارسی و عربی همچنان بر دیواره های مساجد دیده می شود.

نخجوان: نخجوان یکی از مناطق مسلمان نشین حوزه قفقاز است. شهر اردوباد محل زندگی نصیری ها از خاندان خواجه نصیر است که تا عهد صفوی شهرتی در آنجا داشتند. این منطقه به صورت قلمرو کوچکی میان ارمنستان و رود ارس قرار دارد که به وسیله نواحی ارمنستان از آذربایجان جدا شده است. کمونیست ها مساجد و بناهای مذهبی این خطه شیعه نشین را نیز از تخریب بی نصیب نگذاشتند، به طوری که آثار معماری و بنایی مذهبی کمتری در این جمهوری مشاهده می شود. از جمعیت ۴۰۰ هزار نفری این جمهوری بیش از ۹۵ درصد مردم آذری و شیعه هستند و طی پانزده سال اخیر رنج فراوانی از بابت جنگ آذربایجان و ارمنستان متحمل شده اند.

مدارس علمیه در آذربایجان

در حال حاضر چند مدرسه علمیه در آذربایجان فعال است:

مدرسه صاحب الزمان (ع) در روستای نارداران کنار مرقد حکیمه خاتون.

مدرسه امام حسین (ع) در جلیل آباد.

مدرسه رسول اکرم (ص) در شهر ماسالی.

مدرسه امام صادق (ع) واقع در گوی چای.

مدرسه امیر المؤمنین (ع) واقع در نخجوان کنار مسجد جامع.